

تحلیل آموزه‌های قرآن کریم در خصوصیات همسر مطلوب

محمد مهدی کریمی نیا^۱، فاطمه بکایی جزئی^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

^۳ دکتری قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

مسئله انتخاب همسر ایده آل که مورد پذیرش خداوند متعال و مطلوب انسان باشد، از مسائل مهم دنیای امروز است. ازدواج، دغدغه تمام انسان هاست؛ چون این فرایند تقریباً همه انسان‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و همسر نیز رکن اصلی ازدواج است که به زندگی انسان جهت می‌دهد، و انسان را می‌تواند هم به راه خوب و هم به راه بد بکشاند. بر این اساس، در این مقاله به بیان ویژگی‌های همسر خوب با استناد بر آیات قرآن کریم پرداخته شده است. از نظر مسلمانان رهنمودهای این کتاب برترین رهنمودها و موجب سعادت آنهاست. بنابراین در این مقاله با بررسی آیات مربوطه، تلاش شده تا کمکی به مخاطب گرامی برای درست انتخاب کردن همسر خوب خود بشود و انسان را به آرامش خاطری نسبی در این امر برساند، چرا که او معتقد است که آنچه را خداوند تعیین کرده و بدان سفارش نموده اگر آگاهانه انتخاب شود، موجب رشد معنوی و سعادت اوست و با آرامش خیال از اینکه همسر، خود فرد مطلوب است، به سازش با مشکلات و حل موانع زندگی برمی‌آید.

واژه‌های کلیدی: همسر خوب، همسر داری، زوج، همسر شایسته، زوجیت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مهم ترین مسائل مطرح در دنیای امروز، مسأله ازدواج است. ازدواج امری است مقدّس و آسمانی، که بسیار مورد تأکید خداوند و رسولش و سایر پیام آوران الهی قرار گرفته است. چه بسا، انسان با ازدواج، در مسیری از زندگی قرار خواهد گرفت که حدود نیم یا بیشتر از عمر خود را در آن حوزه صرف خواهد کرد. همه انسان ها به دنبال داشتن همسر خوب هستند. و این دغدغه‌ای است برای آنها چه دختر، و چه پسر، و بعد از ازدواج نیز، اولین پرسش دیگران از انسان این است، که آیا همسر خوب و مطلوب خود را داری یا نه؟ در نتیجه یکی از زیباترین و حساس ترین تصمیم های زندگی، انتخاب همسر و به دنبال آن آغاز زندگی مشترک است. البته میان همسر خوب و همسر آرمانی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ یعنی آن همسری که انسان او را آرمانی می بیند، آن است که با تمام مشکلات و سختی ها و عدم تفاهم ها و تفاوت های زیاد طرف مقابل، کنار بیاید و نیازهای او را همان گونه که او دوست دارد، برطرف سازد؛ اما این ویژگی های همسر خوب نیست، همسر خوب آن است که با وجود تفاوت ها و عدم تفاهم هایی که در مسائل با شریک خود دارد، هنر این را داشته باشد که بخوبی بتواند زندگی خود را اداره کند و با مشکلات و سختی ها دست و پنجه نرم کند. همچنین درک متقابلی از زوجیت با یکدیگر داشته باشد و طرف مقابل را شیفته خود سازد و با یکدیگر به رشد معنوی و اخلاقی و سعادت اخروی برسند؛ همان هدفی که هدف عالی ازدواج است و خداوند آن را برترین اهداف برشمرده؛ یعنی ازدواج، فقط رفع نیازهای غریزی و انس و الفت گرفتن با یکدیگر، رشد و پرورش فرزند و سایر موارد حاشیه ای نیست، بلکه رسیدن به انسانیت والا و سعادت و دور کردن زمینه‌های فساد از خود، افزایش مسؤولیت پذیری، مهر و عشق به همسر و فرزند، ایثار و از خودگذشتگی، وفاداری، حسن خلق، مدارا و تحمل رنج ها و سختی‌ها و بسیاری از صفات اخلاقی دیگر. همه اینها با کمک یک فرد دیگری که محرم ترین محارم است به ما صورت می‌پذیرد. پس در اینجا با توجه به گفته‌ها، مسأله مهم این است همسر خوبی که قرار است شریک تمام زندگی مان و سهیم در باقی عمرمان باشد، باید یک مجموعه‌ای از خصوصیات را دارا باشد و ویژگی‌های مطلوب مورد نظر ما را داشته باشد تا ازدواج به ثمر خود برسد و به مشکلی در این راه بر نخوریم. از آنجا که انسان ها همه در ذات مشترک اند و هیچ کدام توانایی پیش بینی سرنوشت خود را با فردی دیگر را ندارند. پس چه زیباست این ویژگی‌ها از کلام خداوند متعال استخراج شود، همان که آگاه به تمام پایان هاست و کلامش، مشکل گشای همه کارهاست.

۱. انتخاب شریک زندگی

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ أَعَزَّ مِنَ التَّرْوِيجِ، (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲، ح ۴۰)؛ در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست».

خانواده برترین بنیان، در پیشگاه خداوند متعال است، که از ازدواج زن و مرد به وجود می‌آید و نتیجه آن فرزندان هستند که تک تک افراد جامعه را می سازند؛ یعنی هر خانواده چندین عنصر جامعه را پرورش می دهد. از آنجا که در قرآن زن و مرد برتری نسبت به هم ندارند، مگر در میزان کرامت و تقوا و عفاف و دوری از گناه؛ پس در داشتن فضیلت های اخلاقی هم یکسان بیان شده اند. زن و مرد عامل و معمول یکدیگر هستند و برای رسیدن به کمال و سعادت هر دو نقش بسزایی دارند. برای رسیدن به این سعادت خداوند جفت و همسری، را برای انسان انتخاب کرده است. آن دو همانند قفل و کلیدی هستند که هر دو با هم و با کمک و تعامل با یکدیگر سبب گشایش می‌شوند. همچنین تشابه آن دو، به مانند دو چشمی است که با یکدیگر بخوبی یک تصویر را به نمایش می‌گذارند و به تنهایی و در صورت فقدان یکی آن تصویر دیگر وضوح و شفافیت تصویری که حاصل کار مشترک دو چشم است را ندارد. در جهان خلقت، بنا به فرموده خداوند تعالی، همه چیز زوج آفریده شده است: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (سوره ذاریات: آیه ۴۹)؛ و از هر چیزی جفت آفریدیم باشد که متذکر شوید». همسر که به عنوان زوج انسان انتخاب گشته، روبروی آن دو دریچه را پیش روی می‌گذارد؛ اولی دریچه ای رو به کفر

و ظلمت و دیگری، دریچه ای رو به ایمان. بنابراین، انسان باید بنگرد که همسری که انتخاب می نماید، او را به کدامین دریچه روانه می کند: سعادت یا شقاوت؟!

۲. آمادگی برای ازدواج

انسان، با رسیدن به مرحله بلوغ و دوران نوجوانی و جوانی، وارد مرحله ی مسؤولیت پذیری می شود و آمادگی و ارزش و شایستگی این را در می یابد که بتواند مخاطب خداوند قرار گیرد و برای سعادت خود و خانواده ای که در آینده تشکیل می دهد، برنامه ریزی دقیق انجام دهد؛ از جمله مهم ترین این برنامه ها عبارتند از:

(۱) افزایش و تقویت پاکدامنی از همان آغاز دوران نوجوانی و جوانی؛

(۲) تعیین کردن اهداف زندگی و هدف از تشکیل خانواده؛

(۳) مشخص کردن معیارها و ویژگی های همسر مناسب؛

(۴) شناخت ویژگی روحی و ذاتی زن و مرد؛

(۵) آگاهی از نقش خود در خانواده به عنوان همسر؛

(۶) کسب آمادگی پذیرش مسؤولیت در خانواده .

از بین این شش برنامه بالا در این مقاله، به برنامه سوم، یعنی مشخص کردن معیارها و ویژگی های همسر مناسب می پردازیم.

۳. تصمیم گیری مناسب

انسان برای تعیین شریک خود، باید از قدرت انتخاب خوبی برخوردار باشد؛ چرا که در برابر این انتخاب، او مسؤولیت دارد. بنابراین، لازمه انتخاب خوب و مناسب، تسلط بر احساسات و هیجانات دوران جوانی است، چرا که محبت اولیه چشم و گوش انسان را به فرموده حضرت پیامبر (ص) کور و کر می گرداند: «حُبُّكَ أَلْشَّيْءُ يُعْمِي وَ يَصِمُّ» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۰۸)؛

علاقه شدید به چیزی آدمی را کور و کر می کند».

پس چه بهتر است در اینجا با بزرگان خود که در درجه اول پدر و مادر هستند، مشورت نماییم، تا به انتخابی درست دست بزنیم؛ زیرا آنان مصلحت را در نظر می گیرند و به علت تجربه زیاد، بهتر خصوصیات افراد را شناسایی می کنند و این مطلب، به منظور تحمیل نظر والدین بر فرزند نیست.

برترین فرد که در تصمیم گیری می تواند نقش بسزایی داشته باشد، پدر است؛ چرا که از نظر روحی دخترها بسیار شکننده و لطیف اند. بنابراین، احتمال نادیده گرفتن عیوب شخص مورد نظر در آنها وجود دارد، اما پدر بر احساسات جوانی خود غلبه کرده و دارای تجربه های فراوان بوده و از جنس مخالف آشنایی کامل دارد. البته در پایان، فرد نهایی که تصمیم پایانی را می گیرد، خود فرد است که در برابر عواقب تصمیم خود، مسؤولیت دارد.

۴. معیارها

برای انتخاب باید ملاک و معیار داشته باشیم و بر اساس منافع و شرایط و امکانات معیارها را باید تعریف و آن گاه انتخاب نماییم؛ چه بسا هم زندگی دنیا و هم زندگی آخرت در گرو این تصمیم است و همچنین ادامه نسل ما و چگونه بودن آن از نظر اوصاف وابسته به همین انتخاب است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «أَمَّا الْمَرْأَةُ فَلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّقَلَدُ، (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲)؛

زن به منزله گردنبندی است که به گردن می افکنی، سپس مراقب باش که چه چیزی را به گردن می افکنی».

در اینجا از لفظ زن استفاده شده، اما این ویژگی برای مرد و جنس مذکر هم قابل تعمیم است؛ یعنی روایت معنای عام دارد و باید در هر دو مورد زن و مرد تعمیم شود.

۴-۱. ایمان و دین دار بودن

اولین ملاک که مورد تأیید خداوند در انتخاب همسر بوده است، دینداری و ایمان است، به گونه‌ای که خداوند می فرماید اگر شخصی چه زن و چه مرد، دیندار و با ایمان نباشد، ازدواج را به تأخیر بیندازید، مگر آن که مسلمان شود و ایمان آورد.

«وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أُعْجَبْتُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَا عِبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أُعْجَبْتُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ، (سوره بقره: آیه ۲۲۱)؛

و با زنان مشرک ازدواج نکنید، مگر این که ایمان بیاورند و با مردان مشرک ازدواج نکنید، مگر این که ایمان آورند. آنها شما را به جهنم دعوت می کنند و خداوند به سوی بهشت دعوت می کند و آمرزش به اذن و اجازه خداوند می باشد و آیاتش را برای مردم بیان می کند شاید آنها پند گیرند».

بنابراین، اولین و مهم ترین معیار همسر شایسته، با ایمان بودن اوست، به گونه‌ای که خداوند نفرموده از روی مال و مقام و جلال و شکوه و زیبایی با آنها ازدواج کنید، بلکه فرموده بر اساس ایمان داشتن یا نداشتن با آنها ازدواج کنید یا نکنید. همانا انسان مشرک، اعضای خانواده را به نافرمانی خداوند و بدبختی ابدی سوق می دهد بر پدر و مادر با ایمان است که فرزندان با ایمان تربیت کنند که هر کدام سهمیم در پیشرفت یا پسرفت جامعه دارند.

قرآن شاهد عینی است بر این مطلب، اما بر اساس گفته امامان (ع) نیز هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می کند، و هر که با او به خاطر جمال و زیبایی اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می کند.

«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِحَمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ، (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ص ۳۹۹)؛

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس به خاطر مال با خانمی ازدواج کند، خداوند مقدرات او را به مال آن خانم حواله خواهد کرد؛ و هر کس به خاطر زیبایی و جمال با خانمی ازدواج کند، از وجود آن خانم تیره روزی و اندوه دل نصیب خواهد برد. هر کس به خاطر دینت با خانمی ازدواج کند، خداوند مال و جمال را در اختیار او خواهد نهاد».

۲-۴. اخلاق نیک

«وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا، (سوره نساء: آیه ۳)؛

و اگر می ترسید که عدالت را در باره (ازدواج با) دختران یتیم مراعات نکنید، (از ازدواج با آنان صرف نظر نمایید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید، دو تا، سه تا، یا چهار تا. پس اگر ترسیدید که (میان همسران) به عدالت رفتار نکنید، پس یک همسر (کافی است) یا (به جای همسر دوم از) کنیزی که مال شماست (کام بگیرید، گرچه کنیز هم حقوقی دارد که باید مراعات شود). این نزدیک تر است که ستم نکنید».

اخلاق از مهم ترین و برجسته ترین معیارهای انتخاب همسر شایسته است، چه بسا انسان اگر نتواند با اخلاقی سازگاری پیدا کند، فرجام کارش ممکن است به جدایی بیانجامد؛ حال این جدایی می تواند فیزیکی باشد، یا عاطفی؛ که در هر دو صورت به خسران و زیان انسان خواهد بود. پس چه بهتر است که انسان با معاشرت های قبل از ازدواج، در چارچوب اصول و عقاید و با راهنمایی خانواده ها اخلاق شخص مقابل را تا حدودی شناخته تا در مضیقه و سختی حاصل از نادیده گرفتن اخلاق که رکن اساسی از شخصیت فرد است، قرار نگیرد.

اهمیت اخلاق در ازدواج، در کلام امامان (ع) مورد تأکید فراوان است. حسین بشار واسطی می گوید: «به امام رضا نوشتیم، یکی از خویشاوندان من از دخترم خواستگاری کرده است، اما بد اخلاق است. امام فرمود: اگر بد اخلاق است، دختر به او نده»، (نوری، ۱۳۶۸ش، ج ۱۴، ص ۲).

از آنجا که زن و شوهر با ازدواج، در کنار هم زندگی را ادامه می دهند و ارتباط کلامی و غیر کلامی با یکدیگر دارند، وجود اخلاق حسنه و خوش رفتاری و نیک گفتاری در زندگی آنها امری ضروری است و بدون آن زندگی حالت سرد و بی روح به خود می گیرد و زندگی با چنین افرادی اگرچه دارای کمالات و زیبایی ها و سایر صفات باشند، اما بد اخلاق و تندخو و خشن، ملال آور خواهد بود؛ زیرا دیدن این گونه رفتارها، هر روز و هر روز، روبره روی چشمان خود انسان، باعث می شود تا صبر انسان لبریز گردد و اتفاقی که نباید بیفتد.

۳-۴. عفت و پاکدامنی

از جمله ملاک های بسیار مهم و ضروری در انتخاب همسر، عفت و پاکدامنی است. اگر به قرآن کریم و روایات معصومان (ع) مراجعه کنیم، بخوبی می فهمیم که آنان به عفت و پاکدامنی تأکید فراوان می کردند.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَرَكِي لَهُمْ إِنْ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ، (سوره نور: آیه ۳۰)؛

به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است. خداوند از آنچه انجام می دهند، آگاه است».

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، (سوره نور: آیه ۳۱)؛

و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پای های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید».

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا، (سوره احزاب: آیه ۵۹)؛

ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک تر است و خدا آمرزنده مهربان است».

در این آیات، ضمن ارائه و تعیین حد پوشش، دستور به عفاف هم برای خانم ها و هم برای آقایان، صورت گرفته است. پس رعایت عفاف و پاکدامنی برخلاف عقیده برخی، که گمان می برند عفاف و پاکدامنی تنها مخصوص زنان است، بالعکس برای هر دو جنس مورد تأکید قرار گرفته؛ چه زن و چه مرد.

این ملاک نیز، مانند دو ملاک قبل، از ضروریات است و یکی از مصداق های هم کفو بودن زن و مرد که در ازدواج به آن توصیه شده، مصداق عفاف آنهاست؛ چرا که از پاکی آنان است که فرزندان پاک و جامعه پاکتری خواهیم داشت، و این امر برای خانم ها حساس تر و قابل توصیه تر است، چرا که زن کانون مهر و پاکدامنی خانواده است، و اگر زیربنای این کانون سست شود، کل کانون رو به زوال می رود.

در فرهنگ دینی و سفارش پیشوایان معصوم (ع) که این قدر به پاکی و عفت مردان و زنان تأکید شده است، برای آن است که اگر پدر و مادر، بدرفتار و ناپاک باشد و توجه به دستورات شرعی نداشته باشند، در اخلاق و روش کودک اثر نامطلوبی برجای خواهد گذاشت و اغلب کودکان و بخصوص دختران، قدم جای قدم مادران می گذارند، (اخلاقی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۰).

۴-۴. اصالت و شرافت خانوادگی

«وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَثٌ لَأَيُّخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ، (سوره اعراف: آیه ۵۸)؛

و سرزمین پاک (و آماده)، گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می آید، اما زمینی که خبیث (و شوره زار) است، جز محصولی اندک و بی فایده بیرون نمی دهد. ما این چنین آیات خویش را برای گروه شکرگزار، گوناگون بیان می کنیم.

رسول خدا در خطبه ای فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ؛ ای مردم از سبزه مزبله پرهیز کنید».

سؤال شد: «خَضْرَاءَ الدَّمَنِ» (سبزه مزبله) چیست؟

پیامبر فرمود: «الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ السَّوْءِ، (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۳۳۲)؛

زن زیبا رو و رعنا که در محیط نامناسب پرورش یافته (و پرورده محیط نامناسب اعتقادی و اخلاقی است)».

پس «خَصْرَاءُ الدَّمَنِ»، یعنی دختران زیبارویی که در خانواده و محیط ناپاک رشد یافته و گر چه زیبا و رعنا و مانند سبزه بهار، خوش آب و رنگ هستند، ولی ناپاک اند. از لحاظ اخلاق و پای بندی به عفت و حیا، با توجه به تربیت ناپاکی که داشته اند، نمره قبولی نمی گیرند.

اما دختر زیبا، با فهم، با اخلاق، متدین و پای بندی که در خانواده بی ایمان رشد و نمو کرده، سبزه مزبله نیست. زیبایی او طبیعی و خدادادی است. اخلاق و حیا و ایمانش هم اکتسابی است. هم از جهت خودش، ارزشمند است که زیبا می باشد و هم از این جهت که به خانواده اش و باورها و اخلاق ناپاک آن ها پشت کرده، نشان دیگری از شخصیت مستقل و ساخته شده اوست و بر ارزش او می افزاید.

حال اگر پسری هم در خانواده و محیط اخلاقی ناپاک رشد یافته و آن تربیت را پذیرفته و باورها و اخلاق و رفتارش، نمودی از باورها و اخلاق و رفتار باطل و ناپاک خانواده اش باشد، در عین حال جوان رعنائی بوده و امکانات فراوان مالی و شغل پردرآمد دارد و از عنوان و پست وغیره برخوردار باشد، او هم به نوعی «خَصْرَاءُ دَمَنِ» (سبزه مزبله) است. اگر رسول خدا(ص) در بیان و تفسیر «خَصْرَاءُ دَمَنِ» آن را به دختران زیباروی پرورش یافته در منجلاب فکری، اخلاقی و رفتاری تفسیر کرده، از آن رو بود که معمولاً زیبایی و رعنائی زن ها مورد توجه خاص و اولین جاذبه آنان است. در مراحل بعد نوبت به باورها، اخلاق و رفتار می رسد. اما در مورد مردها، زیبایی و رعنائی ظاهری، معمولاً مورد توجه نیست و بیش تر به قدرتمندی، درآمدزایی و تدبیر آنان توجه می شود.

در انتخاب همسر، دارای خانواده ای با شرافت و بزرگواری و کرامت اخلاقی و اصالت باید دقت نمود؛ در غیراین صورت، تبعات ناشی از آن زندگی، انسان را درگیر خود می نماید و همچنین در ادامه نسل او تاثیرگذار خواهد بود.

رسول خدا(ص) در کلامی دیگر می فرماید:

«تَزَوُّجُوا فِي الْحِجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (ری شهری و دیگران، دانش نامه قرآن و حدیث، ج ۳، ص ۳۱۶)؛

با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا رگ و ریشه، اثر دارد.»

منظور از اصالت خانوادگی، شهرت و ثروت و موقعیت اجتماعی نیست؛ زیرا ممکن است بعضی خانواده ها فقیر باشند، اما زندگی آبرومندانه و شریفی داشته باشند و بعضی در عین ثروت داشتن، فرومایه و بی دین اند. بنابراین، باید در انتخاب همسر بسیار دقت کرد و از خانواده دارای کرامت و شرافت و اصالت همسر را برگزید. در غیراین صورت، آثار منفی رشد و تربیت خانوادگی در آینده زندگی مشترک و نسل آینده تأثیر زیادی بر جای خواهد گذاشت.

۴-۵. پوشاننده عیب همسر و تأمین نیازهای او

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ» (سوره بقره: آیه ۱۸۷)؛

آنها برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس.»

لباسی که انسان بر تن می کند، او را از چند جهت می پوشاند:

۱. آن را از خطر گرما و سرما و... حفظ می کند.
۲. عیب های انسان را پوشیده نگه می دارد.
۳. زینت و زیبایی بر تن است.

همسر شایسته نیز تشبیه به لباس گشته، تا همین مشترکات را که برای لباس مطرح شد، داشته باشد؛ یعنی عیوب هم را بپوشانند، حفظ از خطر ها و آسیب هایی همچون انحرافات جنسی و غیره می‌شوند؛ چون نیازهای دیگر را برطرف می‌کند؛ و مکمل هم هستند، از طرفی مایه زینت و فخر یکدیگر به حساب می‌آیند و هر دو به یک اندازه در این صفت نقش دارند، (تفاوتی بین زن و مرد نیست).

۴-۶. مهربان بودن

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره روم: آیه ۲۱)؛

و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان محبت و رحمت قرار داد؛ به یقین در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».

طبق این آیه، انسان با ازدواج به آرامش می‌رسد، و اطمینان خاطر پیدا می‌کند، و برای تداوم آن آرامش، احتیاج به عنصر مهربانی است، که این عنصر هم باید در زن وجود داشته باشد، تا مرد خود را تقویت کند و هم در مرد. هردو این مهربانی و عطوفت را باید به گونه ای یاد بگیرند، که بتوانند بروز دهند، تا هم خود از آن لذت ببرند و هم نیازهای عاطفی همسر خود را برطرف کنند.

۴-۷. صالح بودن

«وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (سوره نور: آیه ۳۲)؛

پسران و دختران بی همسر و غلامان و کنیزان شایسته‌ی (ازدواج) خود را همسر دهید. (و از فقر نترسید که) اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی نیازشان می‌گرداند. خداوند، گشایش‌گر داناست. (او از فقر و نیاز شما آگاه است و بر کفایت شما وعده داده است و در عمل به وعده اش قدرت دارد)».

از شروط دیگر ازدواج، صالح بودن همسر است، که این صالح بودن، می‌تواند در زمینه تعهد و مسؤولیت پذیر بودن آنها باشد، تا بتوانند بخوبی برای زندگی خود ایفای نقش کنند.

در آیه فوق، بحث به یکی دیگر از مهم ترین طرق مبارزه با فحشا که ازدواج ساده و آسان، و بی ریا و بی تکلف است، اشاره شده؛ زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، و به تعبیر دیگر، هیچ گونه مبارزه منفی بدون مبارزه مثبت مؤثر نخواهد افتاد. بدون شک، اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه ها به یکدیگر کمک کنند، ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج، دلیل بر اهمیت ویژه آن است، (مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۴، ص ۴۵۶).

۴-۸. هم کفو بودن و همتا و همانندی

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (سوره نور: آیه ۲۶)؛

زنان پلید سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید سزاوار زنان پلید؛ زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک. آنان از آنچه در باره شان می‌گویند منزهند و برای آنان مغفرت و روزی نیکویی است.»

در این آیه به مسأله همانند بودن و هم گفوبودن همسران اشاره شده است که اگر وجود نداشته باشد، عامل دعواها و جنگ ها خواهد بود. این سنخیت از نظر هم شأنی در زمینه های: مذهبی، خانوادگی، دانش و سواد، جسمی و روحی، مالی، اخلاقی و غیره است.

این آیه یک اصل کلی را مطرح می‌کند که در انتخاب همسر باید دقت کرد و اصل را بر ایمان و پاکدامنی گذاشت، نه زیبایی و ثروت. بنابراین معنای آیه این نیست که اگر مردی یا زنی خوب بود حتماً همسرش نیز خوب بوده و مشمول مغفرت و رزق کریم شود، زیرا قرآن، ملاک ورود در بهشت را ایمان و تقوا و عمل صالح می‌داند و لذا با این که حضرت نوح و لوط، طیب بودند، اما همسرانشان از خبیثات و دوزخی‌اند، (قرائتی، تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۶۶).

همتایی صد درصد وجود ندارد، اما شباهت ها باید زیاد باشد، وگرنه انسان با مشکل مواجه می‌شود و هر دو طرف ازدواج آسیب می‌بینند، و شاهد به فعلیت نرسیدن استعدادها و توانمندی ها هستند و سرانجام یا طلاق می‌گیرند، یا زندگی بی عاطفه و بی‌روح و از دست دادن فرصت‌ها.

۴-۹. مسلمان بودن

«عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا، (سوره تحریم: آیه ۵)؛

امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق داد خدا زانی بهتر از شما به جایتان با او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع اطاعت کنند و اهل توبه و عبادت باشند و رهسپار (طریق معرفت)، چه بکر چه غیربکر.

در این آیه به مسلمان بودن همسر اشاره شده، در کنار آن سایر ویژگی ها نیز بیان شده است از جمله:

مؤمنات نشان‌دهنده مؤمن بودن و ایمان داشتن، قانتات نشان دهنده تواضع و اطاعت کردن همسر، تائبات نشان دهنده ی اعتراف به خطا، عابدات نشان‌دهنده عبادت کردن خداوند، سائحات اهل معصیت نبودن.

۴-۱۰. تقوا و پرهیزکاری

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ، (سوره حجرات: آیه ۱۳)؛

ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرقه های مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمايند، همانا خدا كاملا دانا و آگاه است.»

تقوا عاملی بازدارنده است که، در انسان به مرور زمان با انجام عبادات به وجود می‌آید. این کلمه، از ماده وقایه، یعنی نگهداری کردن و قراردادن خویشتن در یک پناهگاه می‌آید. در اصطلاح تقوا یعنی خویشتن داری کردن در مقابل گناهان و معاصی.

تقوا همانند یک ملکه نفسانی، انسان را دستور به منع از انجام محرّمات می‌دهد. تقوا در زندگی انسان آثار و برکات زیادی دارد که از جمله مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) انسان سازی؛

(۲) مسئولیت پذیر شدن؛

(۳) آزاده بودن؛

(۴) رستگاری آخرت.

آنچه که در اینجا مهم است، آثار تقواست و آن اثری که تقوا بر روح و جان انسان می گذارد و باعث می شود که فضیلت های اخلاقی در نفس انسان رشد نمایند و در نتیجه، این فضیلت ها در رفتار انسان نمود می کنند و شخصیت او را شکل می دهند. شخصیت انسان در خلق و خوی انسان نقش دارد و اخلاق نمونه و خوب از ویژگی ها و معیارهای انتخاب همسر خوب است.

نتیجه گیری

این مقاله، به منظور شناساندن برخی از ویژگی های همسر مطلوب از منظر قرآن کریم تدوین شد. با استناد به مطالب موجود در مقاله، مشخص شد که ویژگی هایی که از منظر قرآن در مسئله انتخاب زوج دارای اهمیت اند، عبارتند از: مؤمن بودن، مسلمان بودن، صالح بودن، هم کفو بودن، خوش اخلاق بودن، داشتن عفت و پاکدامنی، اصالت خانوادگی، پوشاننده عیوب بودن، مهربان بودن، محبت، عفو و گذشت، که در مورد هر کدام از این خصوصیات با ذکر منبعی از آیات قرآن کریم بحث شد. لازم به ذکر است که معیارها و ملاک های مختلف دیگری نیز در انتخاب همسر نقش دارند که در این مقاله گنجانده نشدند. لذا جای تحقیق در مورد سایر ملاک ها و معیارهای باقی است. همچنین تأثیر هر کدام از این ویژگی ها بر زندگی فرد و تأثیر نقصان هر کدام از این ویژگی ها نیز مسائل مهمی اند که قابل تأمل و جای تحقیق دارند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه محسن قرائتی.
۲. اخلاقی، اسماعیل، «ملاک های انتخاب همسر از منظر قرآن و روایات»، مجله پیام زن، ش ۲۰۲، دی ۱۳۸۷ ش.
۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، چ چهارم.
۴. ری شهری و دیگران، دانش نامه قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۵ ش، چ اول.
۵. صدوق، محمدبن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، اسلامی، ۱۴۰۴ق، چ دوم.
۶. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، چ چهارم.
۷. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۴۰ق.
۹. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، چ سی و دوم.
۱۰. نوری، میرزای حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت (ع)، ۱۳۶۸ ش، چ دوم.